

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش دوم	تکمیل مأخذ و ویرایش نهایی

طینت و رابطه آن با عدل الهی و اختیار انسان

به موجب روایات، امام عصر ارواحنا فداه پس از ظهور، اولی و دومی را از گورهایشان بیرون می‌کشند و زنده می‌کنند و دستور می‌دهند آنها را به درخت خشکیده‌ای ببندند. به محض اینکه آن دو را به درخت می‌بندند، درخت خشکیده سبز می‌شود. بسیاری از مردم با دیدن این صحنه، حق را به آن دو می‌دهند و گمراهی خویش را آشکار می‌کنند. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، صص ۱۲ و ۱۳) در روایات آمده است که قبل از ظهور امام زمان علیه السلام نیز صیحه‌ای آسمانی در نیمه اول روز خبر از حقانیت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌دهد؛ اما صیحه دیگری در نیمه دوم روز، خبر از حقانیت و مظلومیت عثمان می‌دهد. (صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۵۲؛ مفید، ارشاد، ص ۳۸؛ طوسی، محمدبن حسن، غیبت، ص ۲۶۶ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۶)

لغزشگاه‌های عظیمی از این قبیل، امتحان الهی جهت محک زدن ایمان افراد است، تا گروهی که ایمان در جانشان نفوذ نکرده و لقلقه لسان آنهاست، از گروهی که ایمان راستین دارند، جدا شوند. تنها اشخاصی از چنین امتحاناتی سربلند بیرون خواهند آمد که حقیقت ایمان در جانشان رسوخ کرده باشد.

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: **وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ**: او کسی است که شما را از یک نفس آفرید و شما (از نظر ایمان) دو گروه هستید؛ بعضی پایدار و بعضی ناپایدار و ما آیات خود را برای کسانی که می‌فهمند، تشریح نمودیم. (سوره انعام، آیه ۹۸) بر طبق این آیه ایمان افراد دو نوع است: یکی ایمان مستقر و پایدار و دیگری ایمان مستودع و عاریتی. به طور قطع شخصی که ایمانش

از نوع عاریتی است، روزی آن را بازپس خواهد داد یا از او پس خواهند گرفت و بی‌ایمان محشور خواهد شد؛ اما ایمان مستقر در روح و جان مؤمن تثبیت شده و به هیچ قیمتی از او جدا نخواهد شد.

اگر قصابم از تن وا کند پوست جدا هرگز نگردد جانم از دوست

پس از این امتحان الهی، حضرت مهدیارواحنافده به محاکمه آن دو خواهند پرداخت و در این محاکمه، مجرمیت و سببیت آنها را در تمام جنایات تاریخ بشر از ماجرای قتل هابیل توسط قابیل تا آخرین جنایتی که تا قیامت به دست بشر اتفاق خواهد افتاد، به اثبات خواهند رساند و آن دو نیز بر این جنایات اعتراف می‌کنند. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، صص ۱۲-۱۴؛ یزدی‌حائری، الزام‌النائب، ج ۲، ص ۲۱۶ و حلی، حسن بن سلیمان، مختصرالبصائر، ص ۴۴۹)

ممکن است سؤال شود چگونه می‌توان جنایات تمام تاریخ را به‌عهده کسی نهاد که در دنیا عمر محدودی کرده است؟ احادیث باب طینت به فهم این مطلب کمک می‌کند. وقتی کسی اصل طینت سجّینی است، سرچشمه و منبع همه بدی‌هاست و همه افرادی که به انواع آلودگی‌ها دچار می‌شوند، به اقتضای مقداری از طینت سجّینی اوست که در سرشت آنها وجود دارد و همان زمینه‌ساز سر زدن گناه و ظلم از ایشان می‌شود. چون به موجب روایات اصل طینت سجّینی آن دو می‌باشند، پس آنها ام‌الخبائث و سرچشمه همه بدی‌ها هستند.

به‌طور کلی می‌توان انسان‌ها را در آفرینش و خمیره وجودیشان به چهار دسته تقسیم کرد. دسته اول، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام هستند که اصل طینت علیّینی می‌باشند. دسته دوم، همان اشاری هستند که اصل طینت سجّینی می‌باشند. مابین این دو دسته، دو گروه دیگر وجود دارند؛ گروه اول متشکل از افرادی است که قسمت اعظم وجودشان از طینت علیّینی تشکیل شده و مقدار کمی از طینت سجّینی با آن مخلوط شده است؛ این گروه مؤمنان خطاکارند. گروه دوم اشخاصی هستند که اکثر طینت آنها را طینت سجّینی تشکیل می‌دهد و تنها مقدار کمی از طینت علیّینی با آن آمیخته شده است. اینها افراد غیرمؤمنی هستند که ولایت را قبول نکرده‌اند و با آن به مخالفت پرداخته‌اند، اما بعضاً رفتارهای خوبی نیز از آنها سر می‌زند که علت این رفتار، همان اندک طینت

علیّینی در وجود آنهاست. به فرموده قرآن، در روز قیامت خداوند متعال خبیث را از طیّب جدا خواهد کرد: لِيَمِيزَ

اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمُهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ. (سوره انفال، آیه ۳۷)

از این رو در قیامت هر چیز به جای خود باز خواهد گشت و لذا معصیتی که زائیده طینت سجّینی بی است که با طینت علیّینی مؤمن آمیخته شده بود، همراه با خود طینت سجّینی به صاحب اصلیش باز خواهد گشت. از سوی دیگر، رفتارها و عبادات و اعمال نیکی که گاهی از دشمن اهل بیت علیهم السلام سر می زد، چون ناشی از طینت علیّینی است که با طینت سجّینی او آمیخته شده بود، این اعمال شایسته همراه با طینت علیّینی از او باز ستانده و تحویل مؤمنان می شود. امام باقر علیه السلام در تبیین این امر می فرمایند: **يُرْجَعُ كُلُّ شَيْءٍ إِلَىٰ أَصْلِهِ**: هر چیز به اصل خود بازمی گردد. (مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۱۰۶ و فیض کاشانی، وافی، ج ۴، ص ۴۹)

لازم به ذکر است که فهم نادرست و برداشت ناصحیح از این موضوع می تواند سبب تجرّی در گناه شود و فرد خود را در غرقاب پلیدی ها و گناهان غوطه ور ساخته و به ورطه هلاکت بکشاند؛ لذا باید مراقب بود که با بی دقتی و کج فهمی، این مسأله مورد سوء استفاده قرار نگیرد.

نکته دیگری که ذکر آن ضروری به نظر می رسد، این است که بیانات فوق هیچ منافاتی با عدل الهی ندارد. برای فهم چگونگی سازگاری احادیث طینت با عدل الهی، نخست باید توجه داشت که گرچه کارهای خدا حکیمانه است، لکن درک حکمت کارهای خدا غالباً از ظرفیت فهم بشری خارج است و عدم اطلاع از حکمت کارهای خداوند منطقی نباید موجب غیر حکیمانه شمردن آنها شود. قرآن کریم می فرماید: **يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ**: رحمت خود را به هر کس که بخواهد اختصاص می دهد و خداوند صاحب فضل بزرگ است. (سوره آل عمران، آیه ۷۴) خداوند متعال به هر کس که مشیت حکیمانه اش اقتضاء کند، رحمت خود را اختصاص می دهد. یکی از عظیم ترین رحمت های الهی، نعمت ولایت و غالب بودن طینت علیّینی در وجود شخص است. دوم باید توجه داشت که خداوند هر چه به هر کس عطا فرموده، از سر فضل و احسان بوده است و هیچ کس طلبی از خدا نداشته تا اگر خداوند چیزی را به او نداده باشد، خلاف عدالت رفتار کرده و به آن فرد ظلم شده

باشد. در تعریف عدل گفته شده است: **الْعَدْلُ إِعْطَاءُ كُلِّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ**: عدل، دادن حقّ هر صاحب حقّی به اوست. (هاشمی خوئی، منهاج البراعه، ج ۱۶، ص ۴۶) که این تعریف متّخذ از احادیث معصومین: است. (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۴۲ و مجلسی، مرآة العقول، ج ۶، ص ۲۶۵)

سوم اینکه نظام عالم بسته نیست که اراده خدا در آن راه نداشته باشد؛ بلکه خداوند در هر لحظه می تواند به اختیار خود هر چیز را تغییر دهد. مقدرات الهی با عنایت خدا و به درخواست انسان قابل تغییرند. به فرموده مرحوم حاج محمد اسماعیل دولابی رضوان الله علیه: دست خدا هنوز در آب و گل است. (مهدی طیب، مصباح الهدی، صص ۲۲۷ و ۳۵۹) چنین نیست که کار از کار گذشته و غیر قابل تغییر باشد. قرآن کریم می فرماید: **وَ قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ**: و یهود گفتند: دست خدا بسته است! دست های خودشان بسته باد و به خاطر این سخن، لعنت خدا بر آنها باد! دست خدا باز است و هرگونه بخواهد، می بخشد. (سوره مائده، آیه ۶۴) همچنین می فرماید: **يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يَثْبُتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ**: خداوند هر چه را بخواهد محو می کند و هر چه را بخواهد می نویسد و لوح محفوظ نزد اوست. (سوره رعد، آیه ۳۹) از این رو می توان از خداوند درخواست کرد طینت علیّینی ما را بر طینت سجّینی ما غالب گرداند. در یکی از دعاهای تعقیبات نماز صبح می خوانیم: **وَ إِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ شَقِيًّا فَاجْعَلْنِي سَعِيدًا فَإِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تَثْبُتُ وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ**: و اگر نزد تو در ام الكتاب از اشقیاء هستم، پس مرا سعادتمند قرار ده که تو هر چه را بخواهی محو می گردانی یا ثبت می کنی و ام الكتاب تنها در نزد توست. (طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتهجّد، ج ۱، ص ۸۳ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۱۴۷)

تمام کسانی که وجودشان مزوج و آمیخته از طینت علیّینی و طینت سجّینی است، در دنیا صاحب اختیارند و لذا اگر از اختیار خود حُسن استفاده را ببرند و به اقتضای طینت علیّینی خود رفتار کنند، به مقتضای **لَنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ**: اگر شکر کنید، شما را فزونی می بخشم. (سوره ابراهیم، آیه ۷) تدریجاً طینت علیّینی در وجود آنان فزونی می یابد و طینت سجّینی آنها رو به کاهش می گذارد و نهایتاً از رستگاران خواهند شد. این عالم سرای

اختیار است و ما می‌توانیم با حُسن استفاده از اختیار خود، طینت علّیّنی را بر طینت سجّینی پیروز گردانیم و مراتب ایمان و کمال را طی کنیم تا به توفیق الهی و به برکت اهل بیت علیهم‌السلام به نقطه‌ای دست یابیم که اثری از طینت سجّینی در وجودمان باقی نماند. متقابلاً اگر کسی با سوءاستفاده از اختیار خود به مقتضای طینت سجّینی رفتار کند، محرومیت خود را از طینت علّیّنی توسعه داده است، تا جایی که طینت سجّینی سراسر وجود او را فراگرفته و یکپارچه آلودگی او را دربرگیرد و بدفرجام شود. چنین جابه‌جایی و تغییری در این عالم امکانپذیر است. بدین ترتیب هرکس در قیامت به گونه‌ای برانگیخته خواهد شد که خواسته قلبیش در دنیا بر آن بوده و به مقتضای آن انتخاب و رفتار کرده است؛ خواه طینت علّیّنی باشد یا سجّینی. به تعبیر دیگر، طینت زمینۀ مساعد وجود فرد برای داشتن نوعی شخصیت و رفتار است و علت تامّه نیست که موجب سلب اختیار شده و شخص را مجبور سازد. هرکس با نوع انتخاب و اختیار خویش در زندگی دنیوی می‌تواند به مقتضای طینت غالب خود رفتار کرده و به آن میدان دهد و شخصیتی کاملاً متناسب با آن پیدا کند یا مخالف اقتضای طینت غالب خویش اختیار و اقدام کرده و شخصیتی متضاد با آن پیدا کند. آیاتی که به دو شجره طیّبه و خبیثه در آفرینش اشاره می‌کند (سوره ابراهیم، آیات ۲۴-۲۶) نیز بر همین مبنا قابل درک است. اصل شجره طیّبه در آفرینش، یعنی ریشه و تنه آن درخت پاک، محمد و آل محمد علیهم‌السلام و اصل شجره خبیثه اولی و دومی‌اند. شاخ و برگ این دو شجره در هم تنیده‌اند و با اختیار خود می‌توانند جایگاه خود را تغییر دهند و به شاخ و برگ درخت مقابل تبدیل شوند. علاوه بر این خداوند متعال عمل صالح کسی که اصل طینت او سجّینی است را بی‌اجر نمی‌گذارد و در همین دنیا با نعمت‌هایی چون رزق وسیع، عمر طولانی، سلامتی، آبرو و موقعیت مناسب، پاداش عمل شایسته او را خواهد داد؛ کماینکه اگر کسی که اصل طینت او علّیّنی است در اثر آن بخش اندک طینت سجّینی که در وجودش وارد شده، مرتکب خطایی شود، عمل او بدون کیفر نخواهد ماند و در همین دنیا در قالب ابتلائات و مشکلاتی که برایش پیش می‌آید، از قبیل بیماری و فقر و انواع سختی‌ها، به کیفر اعمالش خواهد رسید. بنابراین عدالت مراعات می‌شود و به احدی ظلم نخواهد شد. هم فرد شقی و سجّینی که کار خوب از او سر زده بی‌اجر

نمی‌ماند و پاداش خود را دریافت می‌کند، البتّه عمدتاً در دنیا، و هم فرد سعید و مؤمنی که اصل او علّیّنی است، عمل سوئش بدون کیفر نمی‌ماند. بنابراین اگر در قیامت اعمال سوء مؤمنان و تبعات و کیفرهای آن به صاحبان طینت سجّینی ملحق شود و به ریشه و صاحب اصلی خود برگردد و متقابلاً اعمال صالح اشقیاء به صاحبان طینت علّیّنی بازگردد، هیچ‌گونه ظلمی صورت نگرفته است؛ چون علاوه بر اینکه برای همه انسان‌ها در دنیا اختیار و فرصتی در جهت تغییر و اصلاح خویش و تبدیل مقدرات وجود داشته، پیش از برپایی قیامت و تفکیک و جدایی طینت‌ها و تبعات آنها، در دنیا یا در برزخ، سعادت کیفر اخلاق و اعمال بد و اشقیاء پاداش اخلاق و اعمال خوب خود را دریافت کرده‌اند.

بحث طینت بسیار پیچیده و عمیق است و نمی‌توان در حدّ این چند سطر همه ابعاد آن را تبیین کرد. ادای حقّ آن نیازمند نوشته مستقلّی است. جهت اطلاعات بیشتر و دقّت و موشکافی در این موضوع و رفع ابهام نگاه کنید به: طالقانی، مولی‌نظرعلی، کاشف‌الاسرار، تصحیح و تعلیق مهدی طیب، ج ۲، ص ۳۴۸ به بعد.

اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ